

توسعه پایدار محیط زیست تحت لوای روابط بین الملل

دکتر سید باقر میرعباسی^{۱*}، دکتر احسان کامرانی، اله مراد کشاورز

*^۱ - نویسنده مسئول، استاد تمام، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: mirabbasi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

چکیده

امروزه امر توسعه بدلائل بسیار یک واقعیت انکارناپذیر است فلذا بخش اعظم فکرو ذهن بشر حفاظت از محیط زیست به لحاظ جلوگیری از تخریب غیرقابل جبران کره خاکی و تنها محمل زیست بشری است و آلودگی های زیست محیطی به صورت افسارگسیخته یکی از عده معضلات بشری در آمده است که این معضله در سطح محلی یا منطقه ای نیست و متأسفانه درگسترده جهانی همچون هیولایی وحشتناک به جهان غالب گشته است و اگر همین امروز با یک عزم جهانی بدرستی تدبیر نگردد وقواعد لازم و کافی تحت یک مدیریت هوشمندانه برای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی و اکوسیستم به عمل نیاید معلوم نیست آینده ما و نسل های بعدی چگونه خواهد شد که قطعاً تو مار حیات درهم پیچیده می شود در نتیجه تصمیم گیری در این مورد نه تنها یک موضوع کم ارزش و یا محدود به منطقه ای خاص و یا مقید به زمان خاص بلکه درگستره جهانی بایک فراخوان همگانی و بطور مستمر لازم الاجراست. گسترش و توسعه روابط غامض اجتماعی در سطح بین الملل ونحوه تعامل انسان وطبیعت و آثار مخرب و تأثیرات منفی دخالت انسان در نظام طبیعت که منجر به برهم زدن تناسب و تعادل این نظام تعادل یافته گردیده، الزاماً و ضرورتاً، حاکمیت قوانین و تضمین اجرای آنها را از طرف عموم سکنه زمین وجود دارد و حمایت کیفری از آن در کنار سایر تدابیر مطمئن ترین تضمین برتداوم اصول حاکم بر حفظ محیط زیست و تحقق مقاصد توسعه پایدار به شمار می رود.

کلمات کلیدی:

"حقوق بین الملل"، "محیط زیست"، "توسعه پایدار"، "الزامات بین المللی"، "روابط بین الملل"

Sustainable Development of the Environment Under the Umbrella of International Relations

Seyyed Baqer MIRABBASI^{1*}, Ehsan Kamrani, Allah Morad Keshavarz

^{1*} Corresponding Author, Full Professor, Faculty Member of the Law School of Tehran University, Attorney-General of Justice, Tehran, Iran

*Email Address: mirabbasi@ut.ac.ir

Abstract

Today, development is by no means indisputable fact. Therefore, a large part of the human resources of the environment are protected from environmental degradation in order to prevent irreparable destruction of the planet and the only biomaterial, and environmental pollution has become one of the major problems of humanity, which is not regional or regional. Unfortunately, in a global world, like a terrible monster, the world has dominated the world, and today, with a global resolve, it is not well-planned, properly and properly, under an intelligent management, to protect our natural environment and our natural resources and our system. It is unclear whether our future and ours The expansion and development of social relations at the international level and the interaction of humankind and nature and the destructive effects and negative effects of human interference in the nature of the system, which has led to the balance of the balance and balance of this system, necessarily necessarily govern the rule of law and ensure their implementation from the general population of the land, and criminal prosecution of it beside Other measures are the most reliable guarantee of the continued respect for the environment and the pursuit of sustainable development objectives.

Keywords:

"International law", "environment", "sustainable development", "international obligations", "international relations"

۱- مقدمه

زیستی که از آن سخن گفته می شود تمامی فضای حیاتی زیست کره را شامل می گردد و از آن مفهوم یک واحد منسجم و غیر قابل تفکیک استنباط می شود اما در اصل واحد همانند و یکنواخت نیست و از مجموعه محیط های گوناگون، نظیر محیط های استپی، بیابانی، جنگلی تشکیل شده است و هر یک از این محیط ها ارتباط متقابل با محیط دیگر دارد و به همین سبب است که این واحد منسجم در برابر تغییراتی که در هر کدام از این محیط ها پدید می آید از خود عکس العمل نشان می دهد بنابراین هر یک از این محیط ها به منزله جزئی از کل است که فعل و انفعالات موجود در آنها در قالب کلی به عبارتت زیست کره قابل فهم و توجیه است" (سلطانی، ۱۳۷۱: ۳۰-۲۰) "بنا بر تعریفی دیگر که از محیط زیست بیان شده است محیط زیست محیطی است با خصایص بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی معین که در آن محیط، بشر و سایر موجودات ذی حیات در طول زندگی خود می توانند از یک زندگی طبیعی بهره مند باشند" (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۷) اما وفق دیدگاه دین می محیط زیست یک هدیه الهی است که بصورت امانتی در دست بشر قرار دارد و متشکل از مجموعه منابع، موجودات، عمل و عوامل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات مشروط و وابسته به آن است تشکیل می شود.

• آلودگی محیط زیست

آلودگی محیط زیست که بی توجهی به آن می تواند حیات بشر و بقای او را مورد تهدید و خطر جدی قرار دهد، موضوعی است که توجه مجامع و سازمانهای جهانی، بین المللی، منطقه ای و نیز داخلی و حتی اشخاص را به آن معطوف داشته است بنابراین سفارشات فراوان و پبایی کنفرانس ها، کنوانسیون ها و مقررات مهم بین المللی و منطقه ای مانند کنوانسیون استکهلم ۱۹۷۲ سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و انسان و اصل نوزدهم بیانیه کنفرانس ۱۹۷۷ بین دولتی تفلیس درباره آموزش محیط زیست و منشور ۱۹۷۵ بلگراد چارچوبی جهانی برای آموزش محیط زیست، ارائه آگاهی های لازم در این باره ضروری شمرده شده است زیرا تا زمانی که انسانها درک درستی از تخریب محیط زیست و اثرات زیان بار و خطرناک آن در رابطه با حفظ و ادامه حیات خود و دیگر موجودات و دوام سایر ابعاد زیست محیطی داشته باشند برای حمایت از محیط زیست تلاش جدی به عمل نخواهد آورد. عدم حرمت نهادن به محیط زیست و توجه نکردن به لزوم پاک سازی و حفظ نظافت آن در موارد زیادی سبب

"در قوانین و مقررات کشور اعم از قانون اساسی، قوانین عادی و دیگر مقررات، تعریفی از محیط زیست ارائه نشده است بنابراین در این زمینه نمی توانیم به دیدگاه قانونی استناد کنیم و ناگزیر از مراجعه به متون دیگر خواهیم بود همچنین در قوانین بسیاری دیگر از کشورها مانند فرانسه و لهستان نیز تعریف حقوقی از محیط زیست بیان نشده است" (تقی زاده، انصاری، ۱۳۷۶: ۱۶) معاهدات و کنوانسیون های بین المللی نیز تعریف حقوقی از محیط زیست مطرح نکرده اند در باره تعریف صلاحی محیط زیست، مفاهیم و عبارات گوناگون بیان شده است که صرف نظر از وجود اختلاف در کلمات و الفاظ، تشابه فراوانی از حیث مفهوم میان آنها وجود دارد. وجود استمرار حیات انسانی و تمامی گیاهان و جانوران منوط به وجود محیط مادی مناسب است این محیط مادی ویا به عبارت دیگر محیط زیست مجموعه ای مرکب از آب، هوا و ذرات معلق نظیر دود، خاک و غبار است" (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۵) عبارت دیگر "محیط زیست متشکل است از نظام های اتمسفر Atmosphere، سفر Pedosphere، سفر Biosphere و هیدرو سفر Hydrosphere" (لوسانی، ۱۳۷۲: ۳۰۴) هوایی که ما آنرا استنشاق می کنیم و بوسیله آن نفس می کشیم قسمتی از اتمسفر می باشد که کره زمین را پوشانده است و نزدیکترین لایه اتمسفر به زمین است که تشکیل دهنده فضای حیات جانوران است زمین ویا عبارت دیگر خاک محلی است که کلیه فعل و انفعالات بشر و نیز دنیای گیاهان و جانوران در آن واقع است یعنی پوشش خاکی است که قسمت درونی زمین را در برمی گیرد بیوسفر لایه ای است که زمین را در بر گرفته است و همراه با هیدرو سفر از بیوسفر و اتمسفری که مجاور سطح زمین قرار دارد تشکیل شده است منابع اصلی استمرار حیات بر روی زمین، یعنی آب، هوا و غذا از بیوسفر تأمین می گردد هیدرو سفر نیز مجموعه ای مرکب از اقیانوس ها، دریاچه ها، دریاها و مانند آن است که ضامن بقای حیات تمامی موجودات و جانوران است همچنین در تعریف محیط زیست آمده است که "محیط زیست عبارت است از محیطی که فرایند حیات را فرا گرفته است و با آن برهم کنش دارد، محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر بدست انسان ساخته شده اند تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیست کره (بیوسفر) را فرا می گیرد" (سلطانی، ۱۳۷۱: ۱) "به این ترتیب مشخص می گردد که هر چند محیط

این کشورها گذارده اند به عنوان مثال می توان به اصل هفتم اعلامیه کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو اشاره کرد در قسمت اخیر این اصل آمده است «اگر چه در مورد و مشارکت های متفاوت جهانی در زمینه رفع آلودگی محیط زیست همه کشورها مسئولیت مشترک دارند اما مسئولیت هر یک از آنها در قبال این امر متفاوت است کشورهای صنعتی خود نمایانگر این مسئولیت هستند زیرا آنها در یک تلاش بین المللی استمرار توسعه را به دوش می کشند که نتیجه خساراتی را متوجه محیط زیست جهان می کنند از سوی دیگر آنها هستند که از تکنولوژی و قدرت مالی برخوردارند» (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۱)

• تخریب و انهدام محیط زیست

موضوع دیگری که در قلمرو مبانی تحقق جرایم محیطی می بایست مورد بررسی قرار گیرد تخریب و انهدام محیط زیست است به عبارت دیگر گاهی یک جرم زیست محیطی به دلیل بروز آلودگی محقق می شود و در مواقعی نیز شکل گیری این جرم منوط به پیدایش تخریب و انهدام در عرصه محیط زیست خواهد بود.

علی رغم آنکه آلودگی و تخریب اساس تحقق جرایم زیست محیطی را تشکیل می دهند و هر کدام به نوبه خودش می تواند آثار خطرناک و زیان باری به همراه داشته باشد اما با در نظر گرفتن نقش انسان در بروز اختلالات در طبیعت و ارتکاب جرائم زیست محیطی اصولاً گستردگی آلودگی محیط زیست و جرایم ناشی از آن در عرصه گوناگون محیط زیست اعم از طبیعی، مصنوعی و اجتماعی بیشتر از تخریب و انهدام و جرایم وابسته به آن می باشد.

تخریب در لغت به معنای ویران کردن، خراب کردن و برهم زدن است و انهدام نیز به معنای ویران شدن، خراب کردن، فرو ریختن است بنابراین از بین رفتن منابع طبیعی، آثار و بناها و مانند آن موضوع وقوع قسمت دوم جرایم زیست محیطی را تشکیل می دهد.

پدیده فرسایش خاک به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک جهان و نیز تخریب جنگل و سایر پوشش های گیاهی همراه با ورود خسارت فراوان به حیات وحش و جانوران گوناگون به شدت ادامه یافت و محیط زیست به ویژه بخش طبیعی آن در کشورهای مختلف متحمل آسیب های جدی و گسترده ای گردید که نقطه اوج آن به قرن بیستم نسبت داده می شود که در آن بحران های زیست محیطی بسیار زیان بار و مواردی نیز جبران ناپذیر روی داده است علاوه بر این بحران زیست محیطی بوجود آمده در قرن

پیدایش ناهنجاری هایی می گردد که مرگ و میر بسیاری از موجودات، تخریب جلوه های گوناگون طبیعت و اجزای آن و بیماری های گوناگون که سلامتی و حیات بشر را به مخاطره می اندازد به همراه دارد رودخانه هایی که بوسیله زباله ها، فاضلاب کارخانه ها و بارندگی های پاییزی که سموم نباتی مزارع را می شویند آلوده شده اند، نه فقط مرگ ماهی های موجود در آن همراه می آورند بلکه زندگی کسانی که در اطراف آن سکونت دارند و زیست می کند را به خطر می اندازند و افراد بسیاری را به انواع بیماری ها مبتلا می کنند و گاهی نیز مرگ انسانها را در پی خواهند داشت بنابراین آلودگی محیط زیست که اکنون مورد بررسی قرار خواهد گرفت یکی از موضوعات بسیار مهم محیط زیست است و برای اینکه اهمیت و ره آوردهای فراگیر آلودگی به خوبی نمایان شود بهتر است که نخست از سلامتی و بهداشت و نقش مهم آن سخن گفته شود سازمان بهداشت جهانی که یکی از سازمانهای تخصصی سازمان ملل متحد محسوب می گردد به ارائه تعریف درباره سلامتی و بیماری پرداخته است از نظر این سازمان، سلامتی عبارت است از حالت کامل رفاه جسمی، روحی، اجتماعی (شریعت پناهی، ۱۳۶۷: ۱) بر مبنای این تعریف سلامتی دارای ۳ بعد جسمی، روانی و اجتماعی خواهد بود که این ابعاد بر یکدیگر نیز تأثیر می گذارند اکنون بهداشت محیط زیست با داشتن موضوعات مختلف مانند بیماری و سلامتی و عوامل موثر در پیدایش آنها دارای مفهومی بسیار گسترده تر از گذشته است بهداشت محیط زیست در حال حاضر تنها به یک فرد (بیمار) توجه ندارد بلکه جامعه که زیستگاه تعداد بسیاری از انسان ها است را نیز مورد مطالعه قرار می دهد بهداشت محیط به عوامل محیطی موثر بر سلامتی انسان و بیماری های گوناگون موجود در محیط زیست او، عوامل طبیعی آلوده کننده محیط، مانند آب، هوا، شرایط جغرافیایی و مانند آن توجه دارد، یعنی هدف اصلی بهداشت محیط جلوگیری از بیماری انسان ها و آلودگی محیط زیست است به این ترتیب هر قدر بر میزان تحقق این هدف افزوده شود میزان آلودگی ها و بیماری های ناشی از آنها نیز کاهش خواهد یافت.

• تعریف آلودگی

"تخریب و آلودگی محیط زیست را می توان ثمره جوامع صنعتی و یکی از ره آوردهای صنعتی شدن اجتماعات بشری دانست که به این ترتیب کشورهای در حال توسعه سهم بسیار کمتری در پیدایش این پدیده خواهند داشت سازمان ملل متحد و کنفرانس های مهم بین المللی نیز به این موضوع اشاره کرده اند و مسئولیت بیشتری را در برطرف کردن این مشکل جهانی بر عهده

نیازهایشان، در واقع یک تحول زمانی پایدار است که محافظ محیط و مولد فرصتها باشد، این تحول نیازمند پیوند ناگسستنی میان اکولوژی اقتصادی و امنیت اجتماعی است و پیشرفتهای اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی باید در تطابق با جریان دراز مدت حفظ پایه های طبیعی زندگی باشند". (رحیمی، ۱۳۸۲) "در عین حال با دقت و با استفاده از روش های تخصصی مراقب باشیم تا از تخریب سرمایه های زیست محیطی تا حد امکان جلوگیری شود". (کلانتری، ۱۳۸۲)

• جرم زیست محیطی

انسان اولیة برای تأمین غذا به شکار روی آورد و برای امنیت و سکونت خود در طبیعت دستکاری نمود "هم چنین به اهلی کردن حیوانات و در اختیار گرفتن انواع مختلف گیاهان پرداخت" (خالدی، ۱۳۷۳: ۳۰۶) که کم کم دخالت انسان در محیط زیست بیشتر شد و اینک با معضلات جدی زیست محیطی و اعمال مجرمانه و غیر مجرمانه (از حیث قوانین و مقررات موجود) در ارتباط با مواردی مانند تخریب جنگل ها، تخریب لایه ازن، بیابان زایی، کویر زایی، انواع و اقسام آلودگی های آب، هوا، خاک، صوت، هسته ای رادیواکتیو، شیمیایی و حرارتی روبرو هستیم آلودگی ها و جرائمی که اغلب در نتیجه استخراج و حمل و نقل مواد زاید و یا خطرناک نفتی، سمی و هسته ای و یا بروز جنگ های متعدد به خصوص گسترده و طولانی پدید آمده است جرایمی که اصولاً در عرصه بین المللی عمدی و آگاهانه صورت پذیرفته و مواردی نیز تصادفی و یا در اثر سهل انگاری واقع شده است به هر حال این انسان است که با رفتار و فعالیت خود به تباهی محیط زیست و آلودگی آن و یا به عبارتی ارتکاب جرایم زیست محیطی کمر همت بسته است نکته در خور توجه این است که اگر این آلودگی (جرم) در سطح داخلی صورت پذیرد تا میزان زیادی قابل کنترل است و می توان مرتکب یا مرتکبین را به مجازات مقرر در قانون رساند اما مشکل آنجاست که این رفتارها و تخریب ها در سطح فراملی و بین المللی انجام می شود که در این صورت موضوع جرم شناختی این اقدامات و مجازات کردن مرتکبین آن مسئله ای است که بدون حل باقی خواهد ماند "بهرحال این آدمی است که تعادل محیط زیست را بر هم زده و رابطه اش را با محیط زیست به ناهنجاری کشانده است" (محقق داماد، ۱۳۷۱: ۲۷۸) سودجویی ها و خودکامگی های انسان در بهره برداری نادرست، صدمات فراوان به محیط زیست وارد کرده است "در آیین الهی اسلام نیز به این نکته توجه وافر شده است برای نمونه به آیه شریفه چهل و یکم از سوره روم اشاره شود در این آیه آمده است «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض

بیستم که در بسیاری از کشورها نمایان گردید کشور ما را نیز بی نصیب نگذاشته و از این ره آورد ناگوار این بحران مبتلا گردید بنابراین، در ارتباط با موضوع تخریب و انهدام در مفهوم زیست محیطی آن می توان از مصادیقی چون شکار و صید غیر مجاز و بی رویه، جنگل زدایی، بیابان زایی، انهدام اموال و اشیاء، کویر زدایی و مانند آن نام برد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۹)

• مفهوم حقوقی تخریب و انهدام

همانگونه که در رهگذر آلودگی محیط زیست نیز گفته شود مفهوم حقوقی این عناوین با مفهوم تخصصی و زیست محیطی آن تفاوت ماهیتی ندارد زیرا نگرش حقوقی و (قانونی) در باره تخریب و انهدام محیط زیست با بهره مندی از نگاه علمی و فنی حاصل شده است و دیدگاهها، تعاریف و ... تخصصی به قلمرو حقوقی وارد شده و در چارچوب قوانین و مقررات جلوه گر شده اند.

مفهوم حقوقی تخریب محیط زیست عبارت از دگرگونی های زیانباری است که در منابع طبیعی روی دهد و به گونه ای که سبب شود تا تعادل موجود در طبیعت و نیز تنوع زیستی آن به مخاطره افتد.

در ماده (۱) آیین نامه اجرائی بند (ج) ماده (۱۰۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ در تعریف واژه تخریب آمده است:

"تخریب، منظور هرگونه تغییر در منابع طبیعی است که تعادل طبیعت و تنوع زیستی را به طور جدی در معرض خطر قرار دهد. بنابراین هرگونه دگرگونی که تعادل و تنوع مزبور را در قلمرو منابع طبیعی مختل سازد تخریب قلمداد می شود و این دگرگونی همان خرابی ها، ویرانی ها و نابودی عناصر و اجزای مختلف محیط زیست است".

صرف نظر از اصل پنجاهم قانون اساسی که آلودگی و تخریب غیرقابل جبران محیط زیست را ممنوع دانسته است در قوانین و مقررات گوناگونی نیز به بیان مصادیق آن مبادرت شده است. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۰)

"واژه پایدار امروزه به طور گسترده به منظور توصیف جهانی که در آن نظامهای انسانی و طبیعی توأماً در آینده ای دور ادامه حیات دهند بکار گرفته می شود و به معنای ارائه راه حلهایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می باشد که بتواند از بروز مانعی همچون نابودی منابع طبیعی تخریب سامانه ی زیستی، آلودگی جهانی، تغییر اقلیم، افزایش بی رویه جمعیت، بی عدالتی، و پایین آمدن کیفیت زندگی انسانهای حال و آینده جلوگیری کند لذا این توسعه پایدار تحولی است مواجهه با تأمین نیازهای ضروری بدون از بین بردن قابلیتهای نسل آینده در تأمین

حقوق بین الملل نیز مانند حقوق داخلی دارای شاخه های اصلی و فرعی است بر مبنای یک طبقه بندی در وهله نخست به دو رشته عمومی و خصوصی تقسیم می شود (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۸۶) به این ترتیب حقوق بین المللی عمومی دارای رشته هایی مانند حقوق بین الملل دریاها و حقوق بین الملل کیفری است در حقوق بین الملل کیفری اصولاً طبقه بندی جرایم در رهگذر جنگ و مخاصمات مسلحانه صورت گرفته است و جرایم بین المللی به این صورت طبقه بندی شده اند: ۱- جنایات بر ضد صلح ۲- جنایات جنگی ۳- جنایات علیه بشریت (رابرت بلدسو، بوسچک، ۱۳۷۵: ۵۹۶) "در ماده ۵ اساسنامه تشکیل دیوان کیفری بین المللی از این جرایم سخن گفته شده است ۱- جنایات نسل کشی ۲- جنایات ضد بشریت ۳- جنایات جنگ ۴- جنایات تجاوز، بنابراین ملاحظه می شود که در طبقه بندی جرایم در قلمرو حقوق بین الملل نیز همانند حقوق داخلی از جرایم علیه محیط زیست به شکل جداگانه نام برده نشده است بنابراین همانگونه که درباره حقوق داخلی گفته شد ضرورت توجه به این موضوع در طبقه بندی جرایم و نیز شکل گیری و توسعه رشته ای به نام «حقوق بین الملل کیفری محیط زیست» که بتواند نقش مهمی را در تدوین ضوابط و مقررات بین المللی در این زمینه ارائه کند همواره وجود دارد. البته تفاوتی که میان حقوق داخلی و بین المللی وجود دارد آن است که بر خلاف حقوق بین الملل، در حقوق داخلی در کنار دیگر جرایم، جرایم زیست محیطی نیز مورد توجه قرار گرفته اند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۹) کلمه جرم در لغت به معنای گوناگون از جمله عصیان و گناه آمده است در یکی از تعاریف ها جرم را "نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد آمده است (علی آبادی، ۱۳۶۹) اصولاً آیین الهی اسلامی نیز به این نکته توجه وافر داشته است و تخریب و انهدام محیط زیست، کشتار حیوان اهلی، استعمال مواد سمی و شیمیایی و مانند آن را در زمان جنگ منع کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۱۴۸) جرم از نظر حقوق بین الملل به معنای رفتار مخالف با حقوق بین الملل است که کشورها بر مبنای معاهده و یا عرف بین المللی آن را جرم شناخته اند بنابراین نمی توان عملی را جرم بین المللی دانست مگر آنکه مقررات حقوق بین الملل آن را جرم شناخته باشد (حسینی نژاد، ۱۳۷۳: ۲۰) بنابراین از آنجاییکه جرایم بین المللی رفتارهایی است که موازین حقوق بین الملل عمومی را رعایت نمی کند و به مصالحی که در این حقوق مورد حمایت قرار دارد صدمه می زند جامعه بین الملل را وادار کرده است تا برای این گونه رفتارها مجازات تعیین کند از آنجاییکه از سوی مجامع بین

الذی عملوا العلم یرجعون الذی عملو العلم یرجعون» یعنی تباهی در خشکی و دریا به دلیل کارهایی که مردم کرده اند پدیدار شده است و خداوند می خواهد نتیجه برخی از اعمال آنها را به ایشان بچساند شاید بسوی او بازگردند. بنابراین از این آیه شریفه فهمیده می شود که این اعمال نادرست بشر است که محیط زیست (خشکی و دریا) را به فساد و تباهی کشانده است" (شفیعی مازندرانی، ۱۳۷۶: ۸) یعنی اگر بخواهیم آلودگی (جرم) زیست محیطی کاهش یابد و یا از بین برود باید رفتار خود بشر اصلاح شود به ویژه آنکه دست از آفتی به نام جنگ و کاربرد سلاح های گوناگون نظامی بردارد (مسایلی، ارفعی، ۱۳۷۱: ۱۲۰) بر اثر گسترش آلودگی های زیست محیطی و اختلالات بوجود آمده شاهد بر هم خوردن نظم طبیعت و اکوسیستم در کره خاکی و ایجاد خسارات مادی و مالی زیاد شده ایم و خطر زیستن در کره زمین مورد تهدید قرار دارد فلذا لازم است جهت جلوگیری از عواقب جبران ناپذیر مذکور موضوع محیط زیست در چرخه نظام کیفری اعم داخلی و بین المللی قرار گیرد "حقوق یکی از دانش هایی است که از سابقه دیرینه برخوردار است با استفاده از این دانش است که انسان ها برای داشتن جامعه ای سالم همراه با نظم، امنیت و آسایش ضوابط و مقرراتی وضع کرده اند تا بتوانند تا جایی که امکان دارد حیات و زندگی خود را در شرایط مطلوبی بگذارند و جان و مال و ... خود را در پناه این مقررات قانونی از بسیاری تهدیدات و صدمات مصون نگاه دارند از آنجائیکه محیط زیست و حمایت از آن موضوعی است که بستگی ریشه ای و بنیادین با این هدف ها دارد بنابراین باید در حمایت حقوق و قانون قرار گرفته و تا سرحد امکان از ورود آسیب و زیان به آن جلوگیری به عمل آید و در صورت بروز چنین مواردی اشخاص خاطی مسئول شناخته شوند و حسب مورد ملزم به جبران خسارات شوند و یا به کیفر برسند تعیین ضوابط و مقررات در این خصوص، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی، ارتباط نزدیک و ضروری میان محیط زیست و حقوق را مشخص می کند به این ترتیب اگر بخواهیم آلودگی و تخریب محیط زیست را جرم بدانیم و مرتکب آن را مجازات کنیم باید به دانش حقوق، آنهم حقوق کیفری متوسل شویم و از آن مدد بگیریم به عبارت دیگر جرم زیست محیطی باید در قلمرو حقوق کیفری تعریف شود و معیارهای مربوط به آن مشخص گردد (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۴۷) تقسیم بندی های گوناگون برای جرائم مطرح شده است بر اساس یکی از این دسته بندی ها، جرایم تقسیم می شوند به :

۱- جرایم علیه اشخاص ۲- جرایم علیه اموال ۳- جرایم بر ضد مصالح عمومی و امنیت کشور ۴- جرایم بر ضد عفت عمومی ۵- جرایم بر ضد خانواده و تکالیف خانوادگی (صادقی، ۱۳۷۶: ۲۴)

میان می توان از برگزاری کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه در ژوئن ۱۹۹۲ میلادی در ریودوژانیرو و نیز کنفرانس بین المللی اجلاس زمین بعلاوه پنج در سال ۱۹۷۷ (دستور کار ۲۱، منشوری برای آینده) به عنوان نقاط عطف یاد کرده اما متأسفانه هیچگونه حمایت کیفری صریحی از محیط زیست در بیانیه استکهلم، اعلامیه ریو و برنامه کار ۲۱ به عمل نیامده است و همواره جای این موضوع در میان این مقررات مهم جهانی خالی است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۶۹) در پروتکل شماره یک مورخ ۱۹۷۷ ژنو، الحاقی به قراردادهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو که در حقیقت اقدامی در برابر رفتارهای افراط آمیز در جریان جنگ ویتنام می باشد به حمایت جدی از محیط زیست در زمان جنگ و کاهش حتی المقدور آثار زیان بار آن پرداخته است در بند ۳ ماده ۳۵ این پروتکل آمده است، کاربرد متدها یا وسایل جنگی که هدف از آنها ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی است یا احتمال داد چنین خساراتی را وارد نمایند ممنوع است" (ممتاز، از کوهی ۱۳۷۷: ۲۱۷)

• عناصر تشکیل دهنده جرم بین المللی

وفق اصول حقوق عمومی جرم هنگامی حادث می شود که ارکان و عناصر سه گانه آن یعنی عناصر قانونی، مادی و معنوی وجود داشته باشد نتیجتاً در جرایم زیست محیطی هم می بایستی این عناصر سه گانه مجتمعاً وجود داشته باشد یعنی اینکه وقتی عملی را جرم تلقی می نمائیم که بر طبق قانون و موازین قانونی جرم شناخته شده باشد یعنی اینکه می بایست جرم و مجازات قانونمند باشد.

همانگونه که می دانیم هر یک از جرایم شامل ارکان تشکیل دهنده جداگانه ای می باشند که جرایم زیست محیطی هم از این قاعده مستثنی نمی باشد که می بایست این دسته از جرایم و ارکان آنها نیز بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و این کاری بسیار وقت گیر و مقوله ای طویل خواهد شد که به ناچار باید عناصر سازنده آنها را در کنار یکدیگر و بشکلی کلی مورد بررسی قرار داد عنصر قانونی جرم به معنای فعل و ترک فعل گفته میشود که از طرف مقنن موضوع جرم انگاری شده باشد و ضمن تلقی جرم به تناسب برای آن فعل یا ترک فعل مجازات در نظر گرفته شده باشد که بدین عمل اصل قانونی جرم و مجازات گفته می شود و جنبه انحصاری دارد و قابلیت تفسیر موسع را نیز ندارد و از طرفی به معنای این است که "هیچ جرمی بدون قانون ممکن نیست" این اصل برای نخستین مرتبه در اعلامیه حقوق بشر ۱۷۹۱ مطرح شد و در حال حاضر مورد پذیرش بیشتر کشورهای جهان و نیز سازمان ملل متحد قرار گرفته است (صانعی، ۱۳۷۱)

المللی موضوع محیط زیست جهانی به عنوان، میراث مشترک بشریت، قلمداد شده است پس می توان آن را در ردیف موضوعاتی قرار داد که در زمره منابع و مصالح مشترک دولتها به حساب آید به عبارت دیگر میتوان گفت که آلوده کردن و تخریب محیط زیست که سبب ورود زیان به میراث مشترک بشریت و منافع مشترک دولتها می شود جرم بین المللی است خواه از آن آشکارا به عنوان جرم زیست محیطی بین المللی نام برده شود خواه از مصادیق آن در قلمرو جرایم گوناگون بین المللی سخن گفته شود (قاسمی، ۱۳۹۱: ۶۱) اصولاً جرم زیست محیطی بین المللی چه بر مبنای قراردادهای و معاهدات و چه بر مبنای عرف های بین المللی، تنها در ارتباط با جنگ و استفاده از ابزارها و سلاح های گوناگون قابل استفاده در مسائل جنگی و خطرناک برای محیط زیست (سلاح های سمی، هسته ای اتمی و مانند آن) و نیز رفتارهای ناقض حقوق بشر مطرح است که به یقین می توان این موضوع را به عنوان یک ایراد بر حقوق بین الملل به ویژه حقوق بین الملل کیفری وارد دانست.

اعتقاد بر اینکه ارتباط نزدیکی میان محیط زیست با جنگ و حقوق بشر وجود دارد مورد قبول کنفرانس اسلامی نیز قرار گرفته است در بند ب ماده ۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴ محرم سال ۱۴۱۱ هـ-قمری برابر ۵ اوت سال ۱۹۹۰ میلادی و ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۹ هـ-شمسی، مربوط به اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره (مصر) آمده است "قطع درختان یا از بین بردن زراعت و دام ها یا تخریب ساختمان ها و موسسات کشوری دشمن به وسیله بمباران یا موشک باران و غیره جایز نمی باشد" (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۶)

درباره اهمیت و حساسیت حفظ محیط زیست در طول اعصار گوناگون معاهدات، کنوانسیونها، پروتکل و قراردادهای زیادی چه در مقیاس بین الملل و یا دو و چند جانبه تصویب شده است گر چه بطور وسیع از دهه هفتاد میلادی بین کشورهای صنعتی و بعداً به تدریج دیگر جوامع مورد توجه قرار گرفت و سازمان ملل در کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ در مورد محیط زیست ورود پیدا کرد و بر اهمیت موضوعات زیست محیطی تأکید کرد.

"از سال ۱۳۹۲ میلادی و تشکیل کنفرانس یاد شده تا کنون، برنامه ها، اعلامیه های دولتی، گزارش ها، خط مشی های ملی منطقه ای و جهانی، کنوانسیون های بین المللی، موافقت نامه های دو یا چند جانبه، برگزاری اجلاس ها و کنفرانس ها، ایجاد تشکیلات و سازمانهای گوناگون (دولتی و غیر دولتی) و مانند آن به منظور شناخت، بررسی و پیدا کردن راه چاره ای در جهت بهبود بخشیدن به وضعیت نا بسامان محیط زیست در سطح بین المللی و ملی تنظیم و صورت پذیرفته است (مصفا، ۱۳۷۶: ۱۵۴) در این

سازمان مقدماتی سازمان پیمان فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته ای، آژانس بین المللی انرژی اتمی، سازمان بازراندگی از بکارگیری جنگ افزارهای شیمیایی، سازمان تجارت جهانی، برنامه جهانی غذا، گرچه از جهاتی این سازمانها خارج از محدوده سازمان ملل قرار دارند طوریکه اعضاء این سازمانها می توانند از بین کشورهای عضو یا غیر عضو باشند و هم چنین مقر این سازمانها خارج از ساختمان سازمان ملل قرار دارد ولی از نظر امور مالی و بودجه ای تحت نظر شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی سازمان ملل قرار دارند. (موسی زاده، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۲۱۰)

عمده جرایم زیست محیطی در سطح بین الملل بر می گردد به جنگ و سلاح های بکار گرفته شده در آن که در معاهدات و کنوانسیون های متعدد "جهت جبران خسارات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست توافقات زیادی صورت گرفته است و می بینیم که در بیشتر معاهدات و کنوانسیون های بین المللی موضوعات مربوط به جنگ و درگیری های مسلحانه بحث شده است ولی عنصر قانونی جرم زیست محیطی بین المللی که منحصر در خصوص محیط زیست و مسائل مرتبط به آن تدوین گردیده باشد دیده نمی شود گر چه در ماده ۲۶ پیش نویس ۱۹۹۱ قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری آمده بود اما در اصلاحیه ۱۹۹۶ متاسفانه حذف شد که در نتیجه میتوان گفت هیچ گونه عنصر قانونی مدون و جداگانه در این باره در حقوق بین الملل وجود ندارد در نتیجه می بینیم که هنوز جامعه جهانی آمادگی تحمل بار حمایت جزایی از جرایم زیست محیطی را ندارد. رکن دیگری که وجود آن برای تحقق جرم زیست محیطی در حقوق داخلی و بین المللی ضروری است عنصر مادی است حقوقدانان جزا تحقق رکن مادی جرم را بر حسب نوع آن وابسته به وجود اجزا و ارکان مختلف می دانند از نظر حقوق دانان مهمترین این اجزاء عبارتند از: " (صانعی، ۱۳۷۱: ۲۵۳)

۱- فعل مرتکب یا رفتار فیزیکی است که بر حسب نوع جرم، مثبت (فعل) یا منفی (ترک فعل) است.

۲- موضوع جرم است که بر مبنای نوع جرم و عنصر قانونی آن متفاوت خواهد بود.

۳- وسیله ای است که گاهی در تحقق جرم موثر است و زمانی از چنین تأثیری برخوردار نیست و در مواردی نیز سبب تشدید کیفر است.

۴- نتیجه مجرمانه است و در برخی از جرایم وجود آن برای تحقق جرم شرط است.

اصولاً در حقوق داخلی کشورها عناصر قانونی جرم توسط قوای قانونگذاری آنها تدوین می گردد اما از آنجائیکه در حقوق بین الملل دستگاه مقننه ای که بتواند چنین کاری را انجام دهد وجود ندارد لذا کشورها بر اساس معاهدات، عرف و عهدنامه های بین المللی اقدام به تعیین و تدوین عنصر قانونی جرایم بین المللی می نمایند لذا در سطح بین الملل انتساب عنصر قانونی جرم منشعب از عرف و معاهدات بین المللی است.

"رایج ترین شکل تشکیل سازمان بین المللی، انعقاد معاهده است بیشتر سازمانهای بین المللی بر اساس یک معاهده چند جانبه ایجاد شده اند اما توافقات ممکن است به اشکال دیگری نیز نمایان شوند. گاه نمایندگان دولتها که در یک کنفرانس گرد هم می آیند ممکن است برای ایجاد یک سازمان بین المللی تصمیم بگیرند بدون اینکه معاهده ای مطرح باشد یا تصمیمی بر تنظیم و تصویب آن معاهده در آینده باشد برای نمونه، سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک)، بر اساس قطعنامه ای که در کنفرانس بغداد (۱۹۶۰) صادر شد ایجاد گردید یا سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (۱۹۶۶) بر اساس قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد". (زمانی، ۱۳۹۵: ۴۹)

در ماده ۲۲ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم درباره اصل قانونی بودن جرم آمده است "۱- هیچکس به موجب این اساسنامه مسئولیت کیفری نخواهد داشت مگر اینکه عمل وی در زمان وقوع منطبق با یکی از جرائمی باشد که در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی است ۲- تعریف جرم بر اساس اصل تفسیر مضیق به عمل می آید و توسل به قیاس برای تعریف آن ممنوع است ۳- مقررات این ماده مانع از آن نیست که عملی از دیدگاه حقوق بین الملل و مستقل از این اساسنامه جرم تلقی شود" (اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، ۱۳۷۷: ۲۸)

"سازمانهای تخصصی سازمان ملل مجموعه سازمانهایی هستند، که نهادهای وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد را به پیش می برند این سازمانها خاستگاههای مختلفی دارند و برخی به موجب پیمانهای چند جانبه میان کشورها بوجود آمده اند و بر پایه مفاد ۵۷ و ۶۳ منشور سازمان ملل متحد، یکی از ارکان آن شده اند که عبارتند از: سازمان ملل متحد، فائو، ایکائو، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی، سازمان بین المللی کار، سازمان بین المللی دریانوردی، صندوق بین المللی پول، اتحادیه بین المللی مخابرات، یونسکو، یونیدو، اتحادیه جهانی پست، گروه بانک جهانی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان جهانی مالکیت فکری، سازمان جهانی هواشناسی، سازمان جهانی گردشگری،

اما پیش نویس ۱۹۹۱ در اصلاحیه ۱۹۹۶ مورد تجدید نظر قرار گرفت جنبه جرائم زیست محیطی از آن حذف شد. متن حذف شده این ماده چنین بود "هر کس عمداً موجب ورود صدمه و ضایعات گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست طبیعی گردد یا ایراد چنین صدماتی را دستور دهد پس از ثبوت مجرمیت (به) محکوم خواهد شد، ولی بدون هیچگونه دلیل منطقی در اصلاحیه بعدی حذف شد لذا اینگونه اقدامات قابل درک نیست بخصوص زمانی که این گونه جرائم را از جرم بودن در مورد محیط زیست از اسناد بین المللی حذف می کنیم در نتیجه امکان مجازات مرتکبین تخریب و انهدام محیط زیست را به عنوان یک جرم بین المللی صریحاً از بین می بریم لذا دیگر هیچکس را در عرصه بین الملل نمی توان به استناد آلوده کردن محیط زیست مورد محاکمه و مجازات قرار داد، اما در معاهدات بین المللی بطور غیر مستقیم اشارات بر جرائم بین المللی در خصوص محیط زیست شده است مثلاً در قرارداد چهارم از معاهده های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو که عرف بین الملل محسوب می شوند یکی از مصادیق جرم زیست محیطی (بدون اینکه اشاره مستقیمی به این جرم شود) مورد توجه قرار گرفته است و موضوع تعیین و اعمال کیفر در این باره به دولتهای متعاقد واگذار شده است و در متن این معاهده هیچگونه مجازاتی پیش بینی نشده است در ماده ۵۳ این معاهده تخریب و انهدام اموال در زمان جنگ ممنوع دانسته شده است انهدام این اموال به منزله بروز ویرانی در محیط زیست است و نباید آنرا از دریچه تخریب ساده و معمولی نگریست این گونه اقدامات گویای ورود خسارات سنگین به محیط زیست مصنوعی یا انسان ساخت است هر چند که می تواند محیط زیست طبیعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین در ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۷۳ تجارت بین المللی گونه های حیوانات و گیاهان وحشی در معرض خطر نابودی هیچگونه تلاشی جهت جرم دانستن این اقدامات و تعیین مجازات صورت نگرفته است در کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی موارد زائد زیان بخش و دفع آنها، فقط به مقررات ملی کشورها جهت تعیین کیفر ناقضان ارجاع گردیده است در این کنوانسیون علاقه جامعه جهانی به حمایت از محیط زیست نشان داده شد ولی هنوز تا اعلام آمادگی و دفاع از محیط زیست و حمایت کیفری از آن در سطح بین الملل فاصله وجود دارد.

در بیانیه کنفرانس ۱۹۹۲ ریو اصل ۱۳ چنین آمده است، کشورها باید قوانین ملی به منظور تعقیب عادلانه عاملان آلودگی محیط زیست و قربانیان این آلودگی تدوین کنند.

در این اصل، وضع و اعمال پاسخ کیفری در حقوق داخلی کشورها به صورت ضمنی مورد توجه قرار گرفته است به این ترتیب در این

۵- رابطه علیت است که در جرائمی که تحقق آنها نیازمند نتیجه مجرمانه است یعنی جرائم مقید، احراز این رابطه میان فعل مرتکب و نتیجه آن ملاک است.

در نتیجه میتوان استدلال کرد که اشخاص را تنها به دلیل داشتن قصد مجرمانه نمی توان به کیفر رساند بلکه باید چنین قصدی منجر به نمود خارجی شود که قابل لمس و حس باشد که این نمود خارجی می تواند بصورت فعل یا ترک فعل باشد که رکن مادی جرائم بیشتر جنبه رفتار مثبت یعنی فعل مرتکب مورد نظر است و آنجا که تکالیف بر عهده افراد ادا نشود و بنحوی از انجام وظیفه و مسئولیت خودداری نمایند که منجر به جرمی شود ترک فعل هم جنبه کیفری دارد گر چه جرائم زیست محیطی بیشتر ناشی از ترک فعل بسیار اندک و عنصر مادی بیشتر ناشی از فعل است.

• انواع پاسخ های کیفری در حقوق بین الملل

"شاید مهمترین ارکان اصلی نقش آفرین ملل متحد در ارتباط با توسعه پایدار را بتوان مجمع عمومی و شورای اقتصادی-اجتماعی دانست". (میر عباسی، ۱۳۹۵: ۹۸) از دهه های قرن نوزدهم میلادی موضوع تدوین حقوق بین الملل کیفری جهت نظم بخشیدن در عرصه بین الملل در برابر بزهکاران شروع گردید و مورد توجه مراکز دانشگاهی و علمی قرار گرفت که می توان به تلاش های انجمن بین المللی حقوق کیفری جهت تدوین طرح های گوناگون در خصوص قانون بین الملل جزا و نیز اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری را می توان نخستین تلاش ها در این رهگذر دانست در نتیجه این تلاشها پیش نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری در ژوئیه ۱۹۹۱ تدوین و در سال ۱۹۹۶ اصلاح شد و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در ژوئیه ۱۹۹۸ در رم تدوین و تصویب شد.

"بدون تردید در خصوص بین الملل معاصر علاوه بر دولتها، نمی توان نقش سازمانهای بین المللی را نادیده انگاشت دولتها با گذر زمان به منظور پیگیری اهداف خود و در راستای منفعت عمومی، اقدام به ایجاد سازمانهای متعددی نمودند موضوعی که حکایت از این دارد که دولتها تأثیرگذاری این بازیگر حقوق بین الملل و مشارکت آنها در فضای حقوق و سیاسی بین المللی را پذیرفته اند و به تدریج با افزایش حضور سازمانها، موضوع مسئولیت آنها به دلیل ارتکاب اعمال متخلفانه بین الملل مطرح گردید مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ی ۸۲/۵۶ (دسامبر ۲۰۰۱) از کمیسیون حقوق بین الملل درخواست نمود که کار بر روی موضوع، مسئولیت سازمانهای بین المللی را آغاز نماید." (حمید الهویی نظری و عقیل محمدی، ۱۳۹۶: ۲)

مخاصمات مسلحانه و جرائم ناشی از آن وجود ندارد و بر همین مبنا پاسخ کیفری خاص جرائم زیست محیطی بین المللی نیز در این مقررات به چشم نمی خورد به این ترتیب با فقدان این دو عامل اساسی نمی توان از رویه قضایی در این باره سخن گفت و در شرایط کنونی نمی توان موضوعی به نام رویه قضایی پاسخ به جرائم زیست محیطی بین المللی را مورد ارزیابی قرار داد و آن را با چگونگی رویه قضایی ایران در این باره مقایسه کرد در ضمن آرای که از دادگاه های نظامی مانند نورنبرگ صادر شده است را نمی توان به عنوان رویه قضایی جرم زیست محیطی بین المللی پذیرفت و از این حیث آنها را مورد ارزیابی قرار داد هر چند به صورت تلویحی در بر گیرنده وقوع مصادیق از جرم زیست محیطی نیز باشند.

۲- نتایج

• اصول پایه ای حقوق بین الملل محیط زیست

اصول پایه ای، مبنایی فراتر از قواعد معمولی هستند برای مثال چه در حقوق داخلی چه حقوق بین الملل یک اصل مبنایی وجود دارد به نام اصل تساوی اعضا که تخطی ناپذیر است که این اصول کلی باعث پیشرفت قواعد می گردند و این اصول کلی حقوق به تفسیر اسناد موجود کمک می کنند حقوق بین الملل محیط زیست هم مثل همه زمینه های دیگر حقوق از اصولی همچون اصل وفای به عهد، اصل احترام به حاکمیت دولت یا اصل تفکیک به همکاری دولت ها با یکدیگر در موقع درخواست کمک که در روابط بین کشورها مشهود است و از دیگر اصول مربوط به اصل تکلیف به جلوگیری از تخریب محیط زیست یا اصل تکلیف به همکاری که به حقوق بین الملل عمومی مربوط می شوند که کاربرد زیادی در حقوق محیط زیست دارد لذا دو اصل حاکمیت دولت و اصل تکلیف به همکاری دارای اولویت در میان سایر اصول در زمینه حقوق بین الملل محیط زیست می باشند و در دامنه گسترده تری قابل طرح می باشند که در صورت انتشار آلودگی در محدوده بدون مرزی قابلیت اجرایی دارند.

از سال ۱۹۹۲، تنش میان نگرش های زیست محیطی و توسعه به عنوان یک عنصر اصلی در روند قانون بین المللی بوده است که منجر به تصویب معاهدات و ابزارهای بین المللی در زمینه توسعه پایدار گردیده است این ابزارها نشان می دهد که آشتی بین محیط زیست و توسعه به اسانی قابل دستیابی نیست و بنظر می رسد به نفع محیط زیست خواهد بود. لذا به بررسی برخی اصول و مفاهیم، قوانین حقوق بین الملل و همچنین برخی از تحولات جدید در این زمینه می پردازیم که ممکن است تمایل به حذف شرایط و

کنوانسیون نیز که محصول کنفرانس مهم بین المللی از سوی سازمان ملل متحد است پاسخ کیفری برای حمایت از محیط زیست در برابر آلودگی های گوناگون مقرر نشده و به سفارش کشورهای عضو در این باره بسنده شده است.

اصل مصونیت قضایی در مقابل دادگاههای داخلی ابتدا در حوزه روابط دولتها پدیدار گشته است طبق این اصل دادگاه های داخلی از اعمال صلاحیت در مورد اعمال دولتهای خارجی ممنوع اند (عبداللهی، ۱۳۸۲)

آنچه از ملاحظه این اسناد مهم بین المللی حاصل می شود آن است که در حال حاضر هیچگونه پاسخ کیفری که اساساً به منظور حمایت کیفری بین المللی از محیط زیست مقرر شده باشد در کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی مربوط به محیط زیست وجود ندارد عبارت دیگر بر مبنای اسناد بین المللی نمی توان عملی را به عنوان جرم زیست محیطی بین المللی معرفی کرد و در نتیجه مجرم و نیز پاسخ کیفری بین المللی در این باره نیز وجود ندارد.

اعطای شخصیت حقوقی داخلی به سازمان بین المللی که سرزمینی خاص خود ندارد و ناگزیر است که در سرزمین دولتهای عضو انجام وظیفه کند امری ضروری است (فلسفی، ۱۳۸۲: ۷۷۱) اساسنامه ۱۹۹۸ دیوان کیفری بین المللی زیر نظر سازمان ملل متحد پس از سالها تلاش و کوشش تدوین و تصویب شد بر اساس ماده ۵ دیوان بین المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی، جرم تجاوز و نسل کشی را دارد بنابراین آنچه که صراحت ندارد سخن از جرم زیست محیطی است اما در قالب جرائمی مانند جرائم جنگی در ماده ۸ اساسنامه مواردی از آلودگی و تخریب محیط زیست، بدون آنکه چنین عنصراتی داشته باشد مطرح شده است در نتیجه می توان گفت که چون جرم زیست محیطی بین المللی به عنوان یک جرم مستقل وجود ندارد و تنها می توان به مواردی از مصادیق این جرم در مقررات بین المللی مربوط به نزاع ها و درگیریهای مسلحانه دست یافت از این رو پاسخ کیفری مستقل نیز برای این موارد در عرصه بین المللی وجود نخواهد داشت.

شکل گیری رویه قضایی مربوط به پاسخ های کیفری در سطح بین المللی نیز نیازمند آن است که جرم زیست محیطی و پاسخ کیفری آن در مقررات پیش بینی شده باشد تا دادگاه های صلاحیتدار با صدور آرای گوناگون خود بتوانند این رویه قضایی را بوجود آورند.

اما همانگونه که در قسمت انواع پاسخ های کیفری در حقوق بین الملل نیز گفته شد، در حال حاضر صرف نظر از برخی موارد و مصادیق جرم زیست محیطی که بطور پراکنده و در رهگذر

درآمد و سطح زندگی پایین است بسیاری از روش های تولیدی و همچنین رویه ها و الگوهای رفتاری، نا مساعد است. ویژگی هایی که برای توسعه نیافتگی می توان بر شمرد، عبارتند از کافی نبودن خواربار، کمبود شدید بهداشت مردم، بی سوادی اکثریت، شیوع بیماری و مرگ و میر بیش از حد کودکان، غفلت از منابع یا اتلاف آنها، رواج کشاورزی کم برداشت " (از کیا، ۱۳۸۰: ۱۱۰)

همچنین در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم آمده است که :
"دولتها، طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین الملل دارای حق حاکمیت بهره برداری از منابع طبیعی خود مطابق سیاستهای زیست محیطی خود می باشند"

و همچنین در اصل ۲ اعلامیه ریو به سیاستهای زیست محیطی و توسعه اشاره شده است

"برخی عناصر محیط زیست، مسائل جدی تری مبنی بر شمول اعمال حاکمیت دولت بویژه از وقتی که دانش بشر بی مرز بودن محیط زیست را گواهی نموده است، مطرح کرده اند: مسائلی چون مهاجرت انواع گونه های حیات وحش، ذخایر مشترک ماهیان در محدوده دریای سرزمینی یا منطقه انحصاری اقتصادی همچنین آلودگی دریا از طریق رودخانه ها و دریاچه ها و هوا و غیره، محدود به صلاحیت سرزمینی نمی شوند. اینگونه بنیادهای حقوقی با وجود داشتن تضاد با حق حاکمیت، در حقوق بین الملل می توانند به عنوان تنها راه حل، راه گشا باشند و این بخش مهمی از حقوق بین الملل محیط زیست را تشکیل می دهد. بنابراین در اصل صلاحیت انحصاری دولت بر قلمروش چنین حقی بر می آید که محیط زیست آن کشور نباید از زبان های حاصل از فعالیت های بیرون آن حوزه یعنی در قلمرو یا مکان دیگری که صلاحیت دولت دیگر است صدمه ببیند (حبیبی، ۱۳۸۴: ۷۰)

در قسمت دوم از اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم آمده است "مسئولیت تضمینی یا کنترل فعالیت های داخل قلمروشان بنحوی که صدمه ای به محیط زیست کشورها یا ماوراء قلمرو آنها وارد نکند به عهده آنهاست این اصل در حال حاضر همچنان بطور صریح تثبیت و در حقوق بین الملل رعایت می گردد. بنابراین حاکمیت دولت به موجب دیگر الزامات نیز که ریشه در حقوق بین الملل عمومی دارد، محدود می شود.

توسعه دارای انواع و گونه هایی است، از جمله توسعه اجتماعی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه آموزشی، توسعه مدیریتی، توسعه انسانی، توسعه فرهنگی اما سلسله مراتب اجزاء توسعه یافتگی چندان به ثبوت نرسیده است گر چه در مقام دفاع می شود یکی را زیر ساخت و زمینه بوجود آمدن و یا استمرار و بقای دیگری دانست و در بعضی مواقع هم به دور و تسلسل بر خورد می کنیم. اما آنچه مقبول همگان است "همگی دارای ارزشی

مداخلات منصفانه ای از تکامل و کاربرد تعداد زیادی از تعهدات دولتها در زمینه حفاظت از محیط منجر شود. این استدلال وجود دارد که حفاظت از محیط زیست تا حدودی مربوط به هزینه های مالی بین المللی برای توسعه باشد. جهت حصول نتیجه، حداقل سه عنصر وجود دارد، یکی حرکت به سمت مشارکت بیشتر جامعه مدنی فراملی در روند قانون بین المللی محیط زیست، دیگری استفاده از یک زبان حقوقی و وظایفی که به جنبه های توسعه ای برای پیشگیری از آسیب زیست محیطی، مؤثر و دخیل هستند و در آخر ایجاد جذابیت یک حق برای محیط زیست سالم".

(ximena fuetes.2002:109)

• اصل حاکمیت دولت

یکی از چهار رکن تشکیل دولت اصل حاکمیت است و حکومت، جمعیت و سرزمین از دیگر ارکان تشکیل دولتها می باشند اصل حاکمیت از کهن ترین اصول حقوق بین الملل عمومی می باشد و این بدان معناست که دولتها در قلمرو سرزمین خود دارای صلاحیت انحصاری می باشند و لذا این فقط دولتها هستند که قواعد حقوق الزام آور را در قلمرو سرزمینی خود دارای صلاحیت انحصاری می باشند و لذا این فقط دولتها هستند که قواعد حقوقی الزام آور را در قلمرو خودشان بتصویب برسانند و آنرا اجرا نمایند و از طریق قوه قضائی خود به قوانین مصوب در جامعه رسیدگی نمایند که این حاکمیت در کلیه قلمرو دولت در سطح رودخانه ها، خلیج ها و در عمق سفره های زیر زمینی و فضای بالای کشور جاری می باشد.

معنای منتج از مفهوم قدرت اعضای دولت ها بر قلمروشان این است که هیچ قدرت عمومی دیگری، خواه دولت دیگری باشد و خواه سازمانی بین الدولی، حق مداخله در قلمرو صلاحیت انحصاری وی را ندارد در این رابطه بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد اعلام می کند که :

"هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی دارند که در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی کشورهاست دخالت کنند و اعضا را نیز ملزم نمی کند که چنین موضوعاتی را برای حل و فصل، تابع مقررات این منشور قرار دهند"

"با توضیح شرایط توسعه نیافتگی می شود به مفهوم توسعه پایدار کمی نزدیک شد چرا که توسعه نیافتگی وضعیت و شرایطی است که نتیجه ناهماهنگی بین عوامل اقتصادی و فن آوری کاربردی، امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست آنچه سبب می شود کشوری را به عنوان «توسعه نیافته» مشخص کنیم آن است که در آن کشور، مجموعه بی شماری از شرایط نامطلوب برای کار کردن و زیستن وجود دارد محصول و

همسان و لازم برای توسعه یافتگی بخصوص توسعه پایدار است." (صدوق، ۱۳۸۰: ۱۰)

• اصل همکاری

اگرچه رفتار هر دولت حاکم در روابط خارجی به پیروی از آزادی اراده بر طبق منافع خود است حقوق بین الملل جدید یک الزام کلی به همکاری با دیگران را به عنوان یک دستور در جهت برطرف کردن مشکلاتی که مربوط به جامعه بین الملل است، توسعه داده است. چنین التزامی از جوهر وجودی حقوق بین الملل عمومی ناشی می شود وجود هزاران معاهده بین المللی اعم از دو جانبه، منطقه ای و جهانی همچنین بر اساس شناخت و معرفی نیاز به همکاری با دیگر دولتها در سطوح مختلف دارد.

اغلب همکاری بین دولتها برای حفاظت محیط زیست در سطح نهادها و ترتیبات بین المللی پدیدار شده است خواه پیش از بوجود آمدن مشکلی خاص این مؤسسات ابداع شده باشند یا بعد از وقوع آن که به منطقه معینی از محیط زیست مربوط بوده است. این مؤسسات و نهادها با پشتیبانی و سرعت بخشیدن، همکاری بین دولتهای عضو را تسهیل می کنند.

در زمینه حمایت از محیط زیست، همکاری بین المللی در کل برای حفاظت از محیط زیست یک اصل ضروری است بویژه برای دولتها در جهت حق اعمال صلاحیت سرزمینی در فضای خارج از قلمرو مرزهاشان از جمله دریاهای آزاد، منطقه قطب جنوب و یا جاهای دیگر این همکاری ضروری است. (حیبی، ۱۳۸۴: ۷۲)

اغلب همکاری بین دولتها برای حفاظت محیط زیست در سطح نهادها و ترتیبات بین المللی پدیدار شده است خواه پیش از بوجود آمدن شکلی خاص این مؤسسات ابداع شده باشند یا بعد از وقوع آن که به منطقه معینی از محیط زیست مربوط بوده است. برخی از مشکلات محیط زیست را نمی توان با اتخاذ روش ساده ای بوسیله مقررات حل کرد. برای حل آنها نیاز به پیشرفت سطح همکاری بین دولتهای ذیربط است که انجام این کار تنها با موجودیت بخشیدن سازمانهای دائمی توسعه می یابد.

بعلاوه در التزام کلی اعضای سازمان ملل، به ویژه وقتی نیاز به همکاری برای حفاظت محیط زیست در بین باشد همکاری دولتها در سطح خوبی با سازمان مذکور و میان خودشان صورت می گیرد اینگونه همکاری در چندین سند بین المللی در رابطه با محیط زیست تأکید شده است، از آن جمله اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم آغازگر آن است که می گوید: "تمام کشورها اعم از کوچک و بزرگ باید به موضوعات بین المللی راجع به حفاظت و بهبود محیط زیست با روحیه همکاری بر پایه مساوات رسیدگی کنند

همکاری از طریق قراردادهای دوجانبه یا چند جانبه یا از طریق مقتضی دیگر در جهت کنترل، جلوگیری، کاهش و یا از بین بردن مؤثر اثرات زیانبار محیط زیستی ناشی از فعالیت های انجام شده در همه زمینه ها با صرف توجه کافی نسبت به حق حاکمیت و علاقه مندی همه دولتها ضروری است"

این اصل که به موجب قطعنامه شماره ۲۹۹۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ صادر شده است با همان مضمون مجدداً در منشور جهانی طبیعت در سال ۱۹۸۲ مورد تأیید قرار می گیرد طبق منشور اخیر، دولتها باید در نگهداری طبیعت ضمن فعالیت های مشترک و دیگر عملیات مناسب با یکدیگر همکاری کنند این همکاری شامل تبادل اطلاعات و مشاوره خواهد بود و همین طور باید برای محصولات و فرآیندهای صنعتی ای که ممکن است آثار زیانباری روی محیط زیست داشته باشند استانداردهایی را تأسیس کنند و نیز روش های همکاری مؤثر را فراهم نمایند. اعلامیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه نیز مبنای مهمی در اصل همکاری تلقی می گردد به ویژه بخاطر تأمل شدن نقش های ویژه بین دو دسته دولت یعنی دولتهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، اصل ۷ اعلامیه ریو اعلام می کند:

"کشورها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با یکدیگر همکاری داشته باشند تا هیچگونه آسیب و آلودگی زیست محیطی حاصل نشود و وحدت زیست محیطی کره زمین مورد مورد حمایت قرار گیرد و شرایط مطلوب حاصل شود اگر چه در مورد مشارکت های متفاوت جهانی در زمینه رفع آلودگی محیط زیست همه کشورها مسئولیت مشترک دارند اما مسئولیت هر یک از آنها در قبال این امر متفاوت است کشورها خود نمایانگر این مسئولیت هستند زیرا آنها در یک تلاش بین المللی استمرار توسعه را به دوش می کشند که در نتیجه، خساراتی را متوجه محیط زیست جهانی می کنند از سوی دیگر آنها هستند که از فن آوری و قدرت مالی برخوردارند"

اعلامیه ریو همچنین روی تقویت همکاری در راستای اصل توسعه پایدار یا اصلاح و بهبود بخشیدن فهم یا تبادل اطلاعات علمی و شناخت درست فن آوری و توسعه، همکاری با یکدیگر و نیز توسعه و انتقال و فن آوری و دسترسی به دستاوردهای جدید فن آوری و سرعت بخشیدن به آنها که دولتها باید آنها را مورد توجه قرار دهند (اصل نهم اعلامیه ریو) اصدار می دارد موضوعات مربوط به تبادل اطلاعات علمی و فن آوری بخش مهمی از معاهدات محیط زیست جهانی را به خود اختصاص داده است.

بر مشمول همه مناطق دریایی است اعم از آن بخش از دریای سرزمینی که در انحصار صلاحیت دولت ساحلی است و آن قسمت از مناطق مشترک مانند دریاهاى آزاد و یا حتى شامل میراث مشترک بشیریت مانند منابع کانی بستر دریا را نیز شامل می گردد همین طور در کنوانسیون های منطقه ای که به التزام دولتها به اصل حفاظت محیط زیست دلالت دارند می توان از قدیمی ترین آنها در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۸ آفریقا راجع به حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی نام برد که مقرر می دارد "دولتهای طرف معاهده باید با قبول اقدامات مراقبتی متعهد شوند که در جهت بهره برداری و توسعه منابع طبیعی از جمله خاک، آب، گیاهان و جانوران حمایت لازم را تأمین نمایند همین طور بر طبق ماده اول موافقتنامه ۱۹۸۵ آسه آن دولتهای اطراف قرارداد توافق می کند که در مقررات داخلی خود این زمینه را فراهم کند که به طور انفرادی یا بر حسب نیاز، اقدامات ضروری مبنی بر حفاظت لازم از فرایند اکولوژیک و پشتیبانی از سیستمهای حیات، حفظ تنوع ژنتیک و مراقبت از وسایل پیشرفته نیروی تولید برای بهره برداری منابع طبیعی در قلمرو تحت صلاحیت خود بنیاد نهند در اروپا، کنوانسیون ۱۹۷۹ برن راجع به حفاظت از حیات وحش، منطقه اروپا و زیست گاههای طبیعی آنان الزام به حفظ و نگهداری گونه های گیاهی و حیوانات وحشی را به عنوان میراث طبیعی و انتقال آن به نسلهای آینده ابداع می کند مشابه پیمانهای منطقه ای، کنوانسیون جهانی ۱۹۹۲ در خصوص نوع گونه های زیستی در ماده ۶، فهرست اقداماتی کلی که باید در جهت حفاظت و استفاده معقولانه از منابع زیستی اتخاذ شود، در بر دارد از آن جمله: راهبردهای توسعه معقولانه را در تکمیل طرح ها یا برنامه ها تا آنجا که امکان پذیر و مناسب باشد در جهت حمایت و استفاده معقولانه از تنوع گونه های زیستی در طرح ها، برنامه و سیاستهای بخشی و فرا بخشی به طور مناسب اعمال می کند در حوزه های مختلف دیگر نیز در چارچوب کنوانسیون ۱۹۹۲ تغییرات آب و هوا در بند ۱ ماده ۳ اعلام می کند که: اعضاء باید سیستم آب و هوا به نفع نسل های فعلی و آتی بشر مورد حمایت قرار دهند همین طور در ماده ۴ تعهدات جزئی تری را برای طرفین پیمان معین می کند، تعریف رسمی ای از اصلاحات Protect و preserve وجود ندارد اما هر دو اینها در ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها به کار رفته اند که به صراحت معنایشان با هم فرق می کند آنچه از کلمه proptection می توان دریافت در بر دارنده یک اصل کلی است که شامل هر دو این تعابیر می شود از جمله خودداری از اعمال زیان آور و اتخاذ اقدامات مثبت برای مراقبت در حدی که به خرابی محیط زیست منتهی نشود.

زمینه دیگر مطرح شده برای همکاری بین المللی بر اساس اعلامیه ریو، به همکاری در جهت جلوگیری از هرگونه نقل و انتقال و جابجایی مواد آلوده کننده مربوط می شود که برای سلامتی انسان خطرناکند (اصل ۱۴ اعلامیه ریو). (حبیبی، ۱۳۸۴: ۷۴)

• اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست

از اصول پایه ای دیگر در حقوق بین الملل محیط زیست اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست است این اصل در چارچوب یک الزام برتر هدف خاصی را مشخص می کند و آن الزام دولتها به همکاری است هر چند در همه اسناد بین المللی راجع به حمایت و حفاظت از محیط زیست، هدف روی حوزه و موضوعات معینی دور می زند و نمود می یابد لیکن تنظیم اصول عمومی مبنی بر موجودیت بخشیدن همه الزامات در یک اصل کلی یک استثناست یکی از متون مشخص که در این حد اصل کلی را مطرح کرده است ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاهاى سازمان ملل متحد است که می گوید:

"دولتها متعهد هستند که از محیط زیست دریایی حمایت و محافظت نمایند"

لذا مبانی توسعه همان کنترل بیماری ها، رفاه اجتماعی، سطح بالای بهداشت، استفاده از تکنولوژی برتر، رشد اقتصادی بالا و درآمد نسبی، آموزش همگانی و دسترسی به آموزش عالی، عدالت اجتماعی و توسعه فرهنگ و آزادی های مدنی است. واژه پایدار امروزه به طور گسترده ای به منظور توصیف جهانی که در آن نظامهای انسانی و طبیعی توأمأ تا آینده ای دور ادامه حیات دهند به کار گرفته می شود. توسعه پایدار به معنی ارایه راه حلهایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می باشد. که بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی تخریب سامانه های زیستی، آلودگی جهانی تغییر اقلیم، افزایش بی رویه جمعیت بی عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسانهای حال و آینده جلوگیری کند. بنابراین توسعه پایدار تحولی است مواجه با تامین نیازهای ضروری بدون از بین بردن قابلیت های نسل آینده در تامین نیازهایشان، در واقع یک تحول زمانی پایدار است که محافظ محیط ومولد فرصتها باشد. این تحول نیازمند پیوند ناگسستنی میان اکولوژی اقتصاد و امنیت اجتماعی است و پیشرفتهای اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی باید در تطابق با جریان دراز مدت حفظ پایه های طبیعی زندگی باشند. (حسین رحیمی: ۱۳۸۲)

البته باید توجه داشت که این التزام صرفاً مربوط به یک بخش از محیط زیست است هر چند در بردارنده اصل کلی قابل توجه مبنی

اصل جلوگیری

هم تجربه و هم اظهار نظر متخصصین علمی ثابت می کند که اصل جلوگیری برای محیط زیست چه جنبه اکولوژیک و چه از لحاظ اقتصادی به عنوان یک قاعده طلایی به حساب می آید. چون غالباً جبران آسیب های وارده به محیط زیست غیر ممکن است این آسیب های جبران ناپذیر عبارتند از: انقراض گونه های جانوری و گیاهی، فرسایش خاک یا حتی تخلیه مواد آلوده کننده پر دوام در داخل دریا که وضعیت های غیر قابل برگشتی ایجاد می کنند حتی اگر خسارت وارده قابل جبران باشد هزینه های احیا، گران است.

این گونه نیازها، کلاً به رسمیت شناخته شده اند اما اغلب دلالتی بر حقوق بین الملل محیط زیست ندارند کنوانسیون ۱۹۹۱ ایسپو ارزیابی پیامدهای زیست محیطی را به عنوان یک زمینه آثار برون مرزی تصدیق می کند در مقدمه آن نیاز و اهمیت توسعه سیاست های پیش گیری و نگهداری، کاهش و مراقبت ویژه نسبت به آثار زیان رسان به محیط زیست در کل و بیشتر بطور خاص در یک زمینه برون مرزی را پیش بینی می کند بطور تقریب همه اسناد حقوق بین الملل محیط زیست اصل جلوگیری از زوال زیست محیطی را به عنوان یک حقیقت، واقعیت بخشیده اند که بیشتر آنها راجع به آلودگی دریاها، آب های داخلی، هوا یا حفاظت از منابع زنده است و فقط تعداد کمی سند بین المللی، راههای دیگر حفاظت محیط زیست از جمله اصل سنتی مسئولیت درست در جهت همکاری مستقیم با قربانیان تجاوز را مورد توجه قرار داده اند. (حیبی، ۱۳۸۴: ۷۸)

اصل جلوگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن ارزیابی پیامدهای به جا مانده از فعالیت های انجام شده است مطابق ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها هر گاه دولتها دلایل منطقی در دست داشته باشند حاکی از اینکه فعالیت هایی که تحت صلاحیت یا نظارت آنها برنامه ریزی شده است موجب آلودگی شدید محیط زیست دریایی شده یا تغییرات اساسی و زیان آوری در آن به وجود آورده، باید تا حدی که عملی باشد اثرات بالقوه این فعالیتها را بر محیط زیست ارزیابی کرده و گزارش های مربوط به نتایج این ارزیابی ها را برای اعضا ارسال دارند"

اصل جلوگیری تکلیف می کند که هر دولتی در به کار گرفتن مقررات «باید سعی کند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به درستی و در جهت نظم عمومی فعالیت های بخش خصوصی تحت قلمرو و نظارت وی، روی بخش محیط زیست زیان آور نباشد اصل عدم سوء استفاده به عنوان یک وظیفه مطلق در جلوگیری از همه زیان ها تأکید دارد اما الزامی که بر دولت ها در

جهت ممنوعیت فعالیت هایی اشاره می شود، وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید در محیط زیست گردد.

• اصل احتیاطی

اعلام اصل احتیاطی را می توان از جمله ملاحظات و یکی از مهمترین ابتکارات اعلامیه ریو تلقی نمود فصل ۱۵ اعلامیه ریو می گوید "به منظور حفظ محیط زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را بر اساس توانایی های خود به طور مسبوط مورد استفاده قرار دهند در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد یا مسائل و مشکلات ناشناخته زیان هایی را به بار می آورد باید نواقص به طور کامل و علمی مورد بررسی قرار گیرند و نباید به دلیل اینکه ضوابط مبارزه با آلودگی محیط زیست پر هزینه است از آن چشم پوشی کرد" تنظیم اصل احتیاطی در مقررات، کار نسبتاً جدیدی است این اصطلاح ابتدا در یک اعلامیه تصویری به وسیله ی کنفرانس بین المللی برای دریای شمال در سال ۱۹۸۷ پیدا شد و سپس در بیشتر اسناد تصویری بین المللی در رابطه با حفاظت محیط زیست از سال ۱۹۹۰ به بعد اعمال شده است این اصل همچنین یکی از پایه های سیاست زیست محیطی اتحادیه اروپا تحت پیمان ۱۹۹۲ ماستریخت تلقی می گردد. در زمانی که هنوز اصل جلوگیری از آثار اساسی خود را بر کل مقررات حفاظت محیط زیست به جای نگذاشته بود اصل احتیاطی مورد توجه قرار گرفت و بیش از آن توسعه یافت اصل احتیاطی هم مثل اصل جلوگیری در جستجوی آن است که آسیبی به محیط زیست نرسد. اما وقتی که نتایج حاصله از آن حکایت از عدم توانایی اقدامات باشد و در وقتی که تنزل درجه زیست در مقیاسی بزرگ مطرح می شود اصل مذکور به طور خاص و جدی مورد قبول قرار می گیرند و یا زمانی که از انقراض نسل هر یک از گونه های صحبت می شود به طور خاص و جدی انکارناپذیر این اصل قابل اجرا خواهد بود هرچند برخی مفاهیم آن از نظر علمی مشکل ارائه تعریف دادند به ویژه با پیشرفت علوم این تعاریف تغییر پذیرند چون روی اصول آن تعریف، متخصصین توافق نمی کنند و به علت داشتن نظرات متفاوت یا نا روشن بودن آن اکثراً به طور قطع و حتم نمی توانند نتایج حاصله از آن را بپذیرند. بدین ترتیب سیاست گذاران باید شرایط وضعیت معین را در نظر بگیرند و تصمیم بگیرند که راه حل علمی را بر اساس مدارک معتبر پایه ریزی کنند.

این چنین پیشرفتی را می توان به واسطه نقش حساس متخصصین در برخورد با روش حفاظت محیط زیست مشاهده کرد در واقع این نقش رو به گسترش و تزايد است لذا تصمیم گیران باید بر پایه اطلاعات حاصله از متخصصین مختلف محیط زیست،

مقررات حفاظت محیط زیست را تنظیم کنند و همین روش باید در همه موضوعات محیط زیست مورد استفاده قرار گیرد و عموم مردم باید پشتیبان چنین تصمیماتی باشند نقش متخصصین نه تنها رساندن اطلاعات علمی مربوط به حل یک مشکل خاص، به تصمیم گیران است، بلکه آنها در دادن آموزش عمومی زیست محیطی به مردم و به افرادی که در مراجع قانونگذاری و اداری تصمیم رسمی اتخاذ می کنند نقش مهمی را ایفا می کنند.

۳- نتیجه گیری

در جهان کنونی بدلیل حساسیت و آگاهی عمومی نسبت به محیط زیست و آثار زیانبار ناشی از آلودگی محیط زیست و احتمال حدوث فاجعه گسیخته شدن رشته حیات موجودات و جانداران و بر هم خوردن اکوسیستم کره خاکی که جملگی سبب نگرانی مردم جهان شده است لذا شاهد تشکیل گروههایی های داخلی، بین المللی، منطقه ای متعدد و اجلاسهای رسمی توسط دولتها و شرکتهای غیر دولتی در سراسر جهان هستیم تا بر سر مخاطرات قریب الوقوع محیط زیست بحث و بررسی شود و در این خصوص چاره اندیشی گردد و راه حلهای مناسبی برای جلوگیری از روند رو به رشد آلودگی های زیست محیطی و طرقت بر طرف کردن معضلات اندیشیده شود.

"از این روز بدون تردید موضوع محیط زیست یکی از مهمترین مسائل کنونی جهان است بنابراین باید حمایت از آن را نیز در یک گستره فراگیرتر از حمایت جزائی مطمح نظر قرار داد و این امر سبب می شود که اولاً از «حساسیت جنایی» به جای «سیاست کیفری» استفاده شود و ثانیاً از «پاسخ» که دارای مفهومی گسترده تر از «واکنش» است بهره جست، زیرا بنابر تعریف نوینی که پرفسور می ری دلماس مارتی از سیاست جنایی ارائه کرده است، سیاست جنایی شامل «کلیه شیوه ها اعم از کیفری و غیرکیفری می شود که هیأت جامعه با توسل به آنها، به پدیده مجرمانه پاسخ می دهد". (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۴۵)

"وی همچنین معتقد است که استفاده از واژه پاسخ به جای واکنش به معنای آن است که سیاست جنایی هم پیش از وقوع جرم (برای پیشگیری) و هم پس از آن (برای سرکوبی) وارد عمل می شود و این پاسخ علیه جرم نیست بلکه علیه پدیده مجرمانه است که شامل دو پدیده «جرم» (پدیده کیفری) و «انحراف» (پدیده جامعه شناختی) است به این ترتیب اگر از سیاست جنایی در راستای حمایت از محیط زیست استفاده شود اولاً تمام اشکال گوناگون آلودگی محیط زیست اعم از آنکه در زمره جرایم زیست محیطی وارد شده باشد و یا خیر مورد توجه قرار خواهد گرفت و ثانیاً در بر گیرنده تدابیر پیشگیری نیز خواهد بود به عبارت دیگر حمایت از محیط زیست به معنای ارائه واکنش کیفری در برابر جرایم زیست محیطی نخواهد بود بلکه باید با بهره مندی از تمامی ابزارها و شیوه ها حتی غیر کیفری و در همه حالات، یعنی قبل و یا پس از بروز آلودگی، به حمایت از محیط زیست پرداخت پس اگر حمایتی همه جانبه و مطلوب مورد نظر باشد به کارگیری این سیاست به مراتب بهتر از اعمال سیاست کیفری است". (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۴۶)

لذا خطرات زیست محیطی یاد آور این مطلب مهم است که پیشگیری در زمینه محیط زیست به مراتب اولاتر از مبارزه به خاطیان و متعرضین با محیط زیست است، با این اوصاف و با توجه به اینکه محیط زیست جزء لاینفک حقوق بشر می باشد پیشنهاد می گردد که کمیته ششم سازمان ملل (کمیته حقوقی) در این خصوص اقدام به تدوین قوانین و مجازاتهای همسان نماید و با تعریف جرم و مجازات در زمینه حقوق محیط زیست و پیشنهاد دادگاهی مستقل تحت عنوان دادگاه بین المللی حفاظت از محیط زیست و در لوای فصول ششم و هفتم منشور ملل متحد اقدام یه تنظیم معاهده بین المللی و الزام آور نماید.

منابع

- ۱- الهویی نظری، حمید و محمدی، عقیل (زمستان ۱۳۹۶) **نگاهی انتقادی به پیش نویس مواد راجع به مسئولیت سازمان های بین المللی** - مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز - دوره نهم، شماره چهارم
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) **جامعه شناسی توسعه** - تهران - نشر کلمه
- ۳- بهرام سلطانی کامبیز (۱۳۷۱) **مجموعه مباحث و روش های شهرسازی_ محیط زیست** ج ۶، چاپ ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۴- تقی زاده، مصطفی، انصاری (۱۳۷۶) **حقوق محیط زیست** - ج ۱ - تهران - نشر قومس
- ۵- حبیبی، محمد حسن (۱۳۸۴) **حقوق محیط زیست** - انتشارات دانشگاه تهران - چاپ دوم
- ۶- حسینی نژاد، حسینعلی (۱۳۷۳) **حقوق کیفری بین الملل** - ج ۱ - تهران - نشر میزان - بهار ۱۳۷۳
- ۷- خالدی، شهریار (۱۳۷۳) **جغرافیای زیست** - ج ۱ - اهران نشر قومس
- ۸- دفتر امور بین الملل قوه قضائیه (۱۳۷۷) **«اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»** چاپ اول - تهران - دفتر امور بین الملل قوه قضائیه - ۱۳۷۷
- ۹- رحیمی، حسین (۱۳۸۲) **توسعه پایدار** - پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی سال اول - شماره پنجم
- ۱۰- رابرت بلدسو، بوسچک (۱۳۷۵) **فرهنگ حقوق بین الملل** - بهمن آقایی - ج ۱ - تهران - گنج دانش
- ۱۱- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۵) **حقوق سازمانهای بین المللی** - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی - شهر دانش
- ۱۲- موسی زاده، رضا (۱۳۸۸) **سازمانهای بین المللی** - بنیاد حقوقی میزان
- ۱۳- شریعت پناهی، محمد (۱۳۶۷) **مبانی بهداشت محیط** - ج ۳ - تهران - دانشگاه تهران
- ۱۴- شفیعی مازندرانی، سید محمد (۱۳۷۶) **تأثیر محیط زیست در انسان** - ج ۱ - قم - دفتر نشر انتشارات اسلامی
- ۱۵- صادقی، محمد هادی (۱۳۷۶) **حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص** - ج ۱ - تهران - نشر میزان
- ۱۶- صانعی، پرویز (۱۳۷۱) **حقوق جزای عمومی** - ج ۱ - تهران - گنج دانش
- ۱۷- صدوق، محمد باقر (۱۳۸۰) **توسعه و توسعه پایدار** - مجله محیط زیست - فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط زیست - شماره ۳۶
- ۱۸- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۵) **اسلام و حقوق بین الملل** - ج ۱ - تهران - گنج دانش
- ۱۹- عبدالهی، محسن (۱۳۸۲) **مصونیت قضائی دولت در حقوق بین الملل** - معاونت پژوهش - تدوین و تنقیح قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری
- ۲۰- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۹) **حقوق جنایی** - ج ۱ - ج ۲ - تهران - نشر فردوسی
- ۲۱- فلسفی، هدایت الله (۱۳۸۲) **حقوق بین الملل معاهدات** - انتشارات فرهنگ نشر نو
- ۲۲- قاسمی، ناصر (۱۳۹۱) **حقوق کیفری محیط زیست** - خرسندی - چاپ سوم
- ۲۳- کلانتر، سید کیانوش (اسفند ماه ۱۳۸۳) **الگوهای نوظهور در سنجش پایداری توسعه** - مجله تدبیر - شماره ۱۷۸ - سال هفدهم
- ۲۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴) **مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران** - ج ۶ - تهران - نشر اقبال
- ۲۵- لوسانی، احمد (۱۳۷۲) **کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو** - تهران - موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۲۶- میر عباسی، سید باقر و زری (۱۳۹۵) **جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق های بشری از منظر حقوق بین الملل** - تهران - انتشارات جنگل - چاپ اول
- ۲۷- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۱) **طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام** - فصلنامه رهنمون - شماره ۲ و ۳
- ۲۸- مصفا، نسترن (۱۳۷۶) **نگاهی به مبانی نظری و عملکرد سازمان ملل متحد** - مجله سیاست خارجی - مروری به حفاظت ده ساله
- ۲۹- ممتاز، جمشید و ازکوهی، حسین (۱۳۷۷) **حمایت از محیط زیست مطابق کنوانسیون های ژنو لاهه** - نشر دادگستری - تهران
- ۳۰- مسایلی، محمود و ارفعی، عالیبه (۱۳۷۱) **جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل** - ج ۱ - تهران - موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۳۱- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲) **اعلامیه های حقوق بشر** - ج ۱ - تهران - ماجد
- ۳۲- قاسمی، ناصر (۱۳۹۱) **حقوق کیفری محیط زیست** - چاپ اول - خرسندی